

دولت اقلیم و تله خودساخته استقلال

ثریا شهابی



هفت ژوئن امسال، مسعود بارزانی در تویتر خود اعلام کرد که دوشنبه ۲۵ سپتامبر رفراندوم برای استقلال کردستان عراق برگزار میشود.

۲۸ ژوئن واشنگتن پست در مطلبی به قلم مسعود بارزانی نوشت:

"درحالیکه نتیجه رفراندوم آینده استقلال کردستان را معلوم میکند، با این وجود زمان سنجی و شرایط استقلال ما بستگی به مذاکرات با بغداد و مشورت با سایر همسایگان و جامعه بزرگ تر بین المللی، دارد. ما در مذاکراتمان با بغداد منعطف خواهیم بود."

به این حساب، تصمیم مردم کردستان عراق، هرچه باشد، و هراندازه که "بسیار خوش بینانه" شرایط برگزاری رفراندوم "دمکراتیک" باشد، اجرای آن میتواند دهه ها و نسل ها مسئله مورد مشاجره و معامله و مذاکره و گروکشی، احزاب ناسیونالیست کرد با دولت مرکزی عراق، دولت های ترکیه و ایران و آمریکا و کشورهای اروپایی باشد.

فراخوان دولت اقلیم، که اساسا برای کاهش فشار اعتراضات مردم و طبقه کارگر و بعلاوه گروکشی و امتیاز بگیری صورت گرفته است، طبعاً می بایست توسط احزاب چپ و کمونیست، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه کردستان و عراق، پاسخ می گرفت. استقلال کردستان عراق، برای دولت اقلیم و بخصوص بارزانی، همیشه نه پروژه ای برای کشور دار کردن مردم کرد زبان عراق، که وسیله ای برای معامله، باج بگیری، و بازی های دیپلماتیک و گوشه بازی با دولت های غربی و دول منطقه بوده است.

ما بارها و بارها اعلام کردیم که ناسیونالیسم کرد و احزاب آن، قابلیت کشور دار کردن هیچ بخشی از کردستان های منطقه را ندارند! بورژوازی کرد، پس از تجربه شکست خورده جمهوری مهاباد در ایران و حاکمیت دو دهه عشیره فاسد بارزانی در عراق، سرنوشت اش را به بورژوازی های عرب، ترک، ایران و از همه مهمتر به شکاف های منطقه ای و صف بندی های بین المللی بسته است. احزاب ناسیونالیست کرد، قدرت و حاکمیت شان را در کردستان عراق، هم برای طبقه کارگر و هم برای طبقه خود، به نمایش گذاشته اند.

اعلام رفراندوم در کردستان عراق، که توسط بارزانی برای ساکت نگاه داشتن پائین، باز معامله گری و گروکشی صورت گرفته است، تیغ دولبه و پرتگاهی برای احزاب ناسیونالیست کرد و دولت اقلیم است.

طبقه کارگر و شهروندان به تنگ آمده از حاکمیت فاسد عشیره بارزانی و نگران

صفحه ۴

رهایی سوسیالیستی، تنها پاسخ برای اقتصاد ایران

یک نامه در پاسخ به چند سؤال

منصور حکمت

پاسخ سؤالات تلاشگران

۱- قبل از هر چیز، فکر نمیکنم با همین مشاهده شما موافق باشم. برای برجسته کردن شاخه های انگلی در اقتصاد ایران امروز، قدری در این تصویر اغراق کرده اید. بزرگترین بخش جمعیت ایران را کارگران و کارکنان مزدبگیری تشکیل میدهد که در واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف کار میکنند. از این گذشته ایران یکی از بزرگترین تولید کنندگان نفت در سطح جهانی است. از نظر تولید و تکنولوژی یک کشور میانه حال در بیرون حاشیه جهان پیشرفته صنعتی است. قشر تحصیلکرده و متخصص وسیعی دارد. یک طبقه کارگر باسواد و از نظر تکنیکی نسبتاً پیشرفته دارد. مشکل اول ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت صنعتی و اقتصادی نیروی انسانی کارآمد و متخصص نیست، بلکه نظام اجتماعی و سیاسی است.

صفحه ۳

حکمتیست هفتگی ۱۶۷

۳ ژوئن ۲۰۱۷ - ۱۲ تیر ۱۳۹۶

دوشنبه ها منتشر میشود

سرسن

آنچه بعد از موصل باقی میماند

خالد حاج محمدی

جنگ موصل در حال پایان یافتن است. ده روز گذشته محلات مرکزی موصل زیر بمباران های همه جانبه تماما ویران شده اند. کسی آمار کشته های مردم اسیر در این جنگ را حتی اگر بداند بیان نمیکند، سکوت رسانه ها و بی اطلاع ماندن جهانیان از موصل بخشی از پروژه جنگ است. نزدیک به ۹ ماه است جنگی که قرار بود در منتهی کوتاه پایان یابد و مردم موصل از دست داعش "نجات یابند" ادامه دارد و از شهر موصل جز ویرانه ای چیزی باقی نمانده است. رسانه های غربی و صاحبان جنگ جز "اعلام پیروزی خود و پایان داعش" چیزی نمیگویند. عکسهایی که کم و بیش منتشر میشوند همگی حاکی از شهری ویران و با خاک یکسان شده میدهند که معلوم نیست چند صد هزار انسان مرده و اجساد بو کرده زیر آوار باقی مانده اند. میگویند محلات مرکزی موصل به حدی ویران است که کسی نمیداند آنجا زمانی شهری بوده است. تا یک هفته قبل از زبان فرماندهان جنگ "علیه" داعش گفته میشد هنوز در محلاتی که در دست داعش است ۱۵۰ هزار نفر از مردم عادی گیر افتاده اند و داعش مانع فرار آنها است و به عنوان سپر دفاعی خود از آنها استفاده میکند. طبق آمار رسانه های اصلی در ۴ ماه گذشته ۸۰۰ هزار نفر آواره شده اند. گفته میشود ده روز گذشته جنایاتی هولناک در این شهر اتفاق افتاده است، اما همچنان هیچ خبرگزاری مستقلی حق حضور به آنجا را ندارد. در این مدت تنها نهادهایی مانند صلیب سرخ غروندهایی در مورد آمار تلفات غیر نظامیان کرد و بس.

با این وصف و علیرغم خفقان گرفتن همه خبرگزاری و رسانه های دنیا در قبال سرنوشت مردم موصل، در میان فراریان و در میان حق حقیق گریه و فریاد عجز و استیصال نکاتی از حلقوم بیرون می آیند. آنها میگویند: "جنایتی عظیم روی داده است."

آزادی برابری حکومت کارگری

داعش مانع فرار مردم است، آنها در خانه های ویران شده خود محصورند و از آسمان هم هواپیماهای انتلاف مرتب بمبارانشان میکند. تعدادی فریاد میکشند و خواهان کمک برای نجات کودکانشان زیر ساختمانهای ویران شده و منازل نابود شده خود هستند. آنها میگویند بچه هایشان و افراد خانواده شان ممکن است هنوز زنده باشند. میگویند بمب های انتلاف هستی و نیستی ما را با خاک یکسان کرده است و هر دو طرف جنگ ما را قربانی میکنند و از ما میکشند. آنها همدیگر را نمیکشند، کودکان و فرزندان ما را میکشند.

شهری بزرگ در سکوت و زیر بمباران قدرتها و دولتهای درگیر و سانسور خبرگزاریهای خدمتگزارشان ویران شد و سرنوشت چند میلیون از ساکنان آن آوارگی و خانه خرابی و کشتاری شد که بعد از حدود ۹ ماه هنوز هیچ آماری از تعداد آنها اعلام نمیشود. برای یک لحظه جنگ حلب را با موصل مقایسه کنید. شهر حلب هم ویران شد و مردم محروم آن تلفات کمی ندادند. در آن جنگ دولت آمریکا و همپیمانان و خبرگزاری های رسمی آنها هر لحظه خبر بمباران و نابودی بیمارستان و کشتار مردم حلب و گرسنگی و تشنگی آنها را توسط روسیه و متحدینش اعلام میکردند. طبق ادعای آنها در مدت کوتاهی صدها مدرسه و بیمارستان با خاک یکسان شدند. اما همین "مدافعان" حقوق بشر و "دلسوزان" مردم حلب نزدیک ۹ ماه است که شهر موصل را با یک و نیم میلیون جمعیت، با امکانات تسلیحاتی بیش از ۶۰ کشور از زمین هوا بمبارن میکنند، اما ظاهرا نه بیمارستانی نابود شده، نه مدرسه ای ویران و نه مردمی از گرسنگی و تشنگی و زیر بمب و راکت آنها و زیر دهها هزار خانه و کاشانه ویران شده، قربانی شده اند. اینجا است که عمق ریاکاری و دروغ و جنایتکاری آنها بر ملا میشود.

اما این هنوز اول داستان است. خاتمه جنگ در موصل امروز و فردا اتفاق خواهد افتاد. آقای عبادی گویا به موصل رفته است تا خبر "پیروزی" بر داعش را شخصا و مستقیم اعلام کند. ایشان به عنوان شخص اول آن مملکت و سخنگوی دولت عراق اعلام کرده است که اسرایی که از داعش گرفته اند، اسیر جنگی نیستند و به حقوق اسرای جنگی شامل حال آنها نمیشود. ظاهرا باید منتظر اعدامهای صحرایی و کشتار اسرای این جنگ هم باشیم و قوانین بین المللی و تعهدات دولتهای مرتجع به این قوانین مثل همه موارد دیگر پوچ و حرف مفت است. میگویند ۲۵۰ نفری از داعش در موصل مانده اند و البته فرماندهان امریکایی میگویند هنوز محلاتی از شهر در دست داعش است. الحشدالشعبی طی بیانیه ای اعلام پیروزی کرده است و آمار کشته های خود علیه داعش را به رخ مردم عراق میکشد. آقای بارزانی و طالبانی از شراکت خود و نیروهایشان در این جنگ روزانه بر مردم کردستان منت میگذارند و آنها را به سکوت در مقابل همه اجحافات و بی حقوقی خود فرا میخوانند. شرکت در کشتار مردم و ویرانی موصل ابزاری برای شکست بخش دیگری از همان مردم در جنگ علیه

از زمین هوا بمبارن میکنند، اما ظاهرا نه بیمارستانی نابود شده، نه مدرسه ای ویران و نه مردمی از گرسنگی و تشنگی و زیر بمب و راکت آنها و زیر دهها هزار خانه و کاشانه ویران شده، قربانی شده اند. اینجا است که عمق ریاکاری و دروغ و جنایتکاری آنها بر ملا میشود.

اما این هنوز اول داستان است. خاتمه جنگ در موصل امروز و فردا اتفاق خواهد افتاد. آقای عبادی گویا به موصل رفته است تا خبر "پیروزی" بر داعش را شخصا و مستقیم اعلام کند. ایشان به عنوان شخص اول آن مملکت و سخنگوی دولت عراق اعلام کرده است که اسرایی که از داعش گرفته اند، اسیر جنگی نیستند و به حقوق اسرای جنگی شامل حال آنها نمیشود. ظاهرا باید منتظر اعدامهای صحرایی و کشتار اسرای این جنگ هم باشیم و قوانین بین المللی و تعهدات دولتهای مرتجع به این قوانین مثل همه موارد دیگر پوچ و حرف مفت است. میگویند ۲۵۰ نفری از داعش در موصل مانده اند و البته فرماندهان امریکایی میگویند هنوز محلاتی از شهر در دست داعش است. الحشدالشعبی طی بیانیه ای اعلام پیروزی کرده است و آمار کشته های خود علیه داعش را به رخ مردم عراق میکشد. آقای بارزانی و طالبانی از شراکت خود و نیروهایشان در این جنگ روزانه بر مردم کردستان منت میگذارند و آنها را به سکوت در مقابل همه اجحافات و بی حقوقی خود فرا میخوانند. شرکت در کشتار مردم و ویرانی موصل ابزاری برای شکست بخش دیگری از همان مردم در جنگ علیه

مردم منتسب به سنی و عرب، به اسم "اعراب سنی" سهم بگیرند. آنها نیز مدتی پیش در همکاری با جناب بارزانی در اربیل کنگره برپا کرده و حزب "العراق المتحدون" درست کردند، طلب سهم سنی ها بعد از جنگ با داعش را میکنند. جدال کل این صف چون ابر سیاهی بر آسمان عراق سایه انداخته است و آینده هولناکی را به نمایش میگذارد. همه برای سهم خواهی و چیدن میوه بعد از جنگ موصل آماده میشوند و جامعه عراق و مردم محروم و همسرنوشت را به نام سنی و شیعه، کرد و عرب و ترکمن با تحریکات قومی و مذهبی و سربازگیری از آنها، در جدال میان خود برای پول و قدرت و سرمایه، بکار میبرند.

واقعیت این است که آینده عراق در پرده ابهام است. امروز نه تنها گروهها و جریانات قومی و مذهبی و باند سیاهی در مقابل هم صف آرایی کرده اند، بلکه و بعلاوه دولتهای مرتجع از آمریکا تا ترکیه، ایران، عربستان، اسرائیل و... هم هر یک به صورتی و با اتکا به اهرم هایی برای تحمیل سیاست خود، در ساختن جهنمی برای مردم عراق دخیل اند. بدین صورت در حال حاضر عملا عراق اگر چهار تکه نشود، لااقل تقسیم به سه بخش شیعه و سنی و کرد شده است. کشور عراق اگر بعد از موصل و به سرانجام رسیدن تخصصات میان مدعیان و ایجاد توازن، اگر سه تکه نشود و به صورت فدرالی تا کنونی دولتی سرهم بندی شود، اگر رفراوند بارزانی هم به جایی نرسد و به عنوان کارت بازی و سهم خواهی مصرف شود، سالیان سال عراق به مرکز کشمکش این

جریانات و به مرکز جدال و جنگ روزانه و کشتار و به جان هم انداختن مردم محروم به نام قوم و ملت و مذهب تبدیل میشود. سرنوشتی که جز استصال و محرومیت، جز خونریزی و افزایش تنش قومی و مذهبی برای آنها ارمغانی بدنبال ندارد. مردم عراق بعد از داعش و با فرض اینکه عراق کاملا از داعش پاک شود، در پرتو تخصصات این دوره، در پرتو توحش و جنایاتی که در موصل شد، و در پرتو تحریکات وسیع قومی و مذهبی این دوره و در نتیجه تقسیمات فدرالیستی تا کنونی برای سالیان طولانی به میدان جنگ و خونریزی تبدیل میشود.

اوضاع به هر سویی برود، عامل این اوضاع و آنچه امروز بر مردم عراق میروند، قبل از هر کس دولت آمریکا و انگلستان و متحدین آنها در حمله سه دهه گذشته به عراق و کل دولتهای شریک و سهیم در جنگ موصل و دول مرتجع منطقه از ایران و ترکیه و اسرائیل تا عربستان است. مردم عراق دارند خونبهای تخصصات این قدرتها و مثنی کانگستر نظامی، سیاسی و مالی شان در عراق را میدهند. باندهایی که هر یک در گوشه ای به یمن تحریک و زنده کردن افکار عقب مانده و از گور بیرون آوردن تعصبات کور قومی و مذهبی، سرنوشت این جامعه را در دست گرفته اند.

عراق یکپارچه و زندگی مسالمت آمیز مردم این کشور زیر سایه یک دولت با پرچم عراق متحد متأسفانه دیگر افسانه است.

مرک بر جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!

رهایی سوسیالیستی،

و به ایران سرازیر بشود، دارد وقت مردم را تلف میکند.

اما در پاسخ سؤال اصلی شما باید بگویم که نه فقط در ایران، بلکه در هر کشور دیگر در دنیای امروز با جهانی شدن تکنیک و تخصص و اطلاعات، نیروی اصلی تکامل و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، انسان آزاد است. انسان رها شده، انسانی که اختیار زندگی فردی و جمعی خود را به کف آورده باشد و بتواند توان و خلاقیتش را در خدمت رفع نیازهای خود و جامعه‌اش آزادانه بکار بیندازد. عقب‌ماندگی اقتصادی در دنیای امروز بارومتر و شاخص اسارت و انقیاد سیاسی مردم است. فقر علامت بی‌حقوقی است. عقب‌ماندگی اقتصادی جامعه نشان فروکوفتگی سیاسی و فرهنگی انسان است. و از این رو در واقع این تنها حزب کمونیست کارگری است که به مسأله عقب‌ماندگی اقتصادی و تولیدی جامعه پاسخ دارد. یک جامعه آزاد، رها، خوشبین و یک نظام سیاسی که حق و حرمت شهروندان را بالاتر از هر اصلی میداند، مایه یک انفجار عظیم در قدرت آفرینش و سازندگی مردم ایران خواهد شد. آنوقت خواهیم دید که چقدر این مملکت آدم متخصص و توانا دارد. ما لازم نیست از امروز کسی را آموزش بدهیم، ما باید کاری کنیم که موانع سیاسی دخالت مردم در سرنوشت اجتماعی و اقتصادیشان برطرف شود. انقلاب برای شکوفا کردن یک مدل کارگری، رهایی آلترناتیو، یک زندگی سوسیالیستی، تنها پاسخ برای اقتصاد ایران است. کسی که میگوید جمهوری اسلامی باید آنقدر در شاهراه اصلاح‌طلبی ملی-اسلامی پیش برود و اسلام و آخوندیسم در ایران آنقدر پاستوریزه و آمریکانیزه بشود که سرمایه و تکنیک و متخصص آسیای جنوب شرقی و قلب اروپا و آمریکای شمالی را رها کند

بناگاههای سودآوری کاپیتالیستی و جنگ آنها بر سر گرفتن سهم بزرگتر در بازار. اینکه من باتری مصرف شده را در آشغال‌دانی نیندازم و بیفکاف مصرف نکنم، پاسخ سوراخ عظیم اوزون بالای قطب جنوب نیست. مسأله بر سر اقتصاد سیاسی جهان معاصر است. و این فورا شما را با سرمایه به معنی وسیع کلمه، با مالکیت طبقاتی بورژوازی بر وسایل تولید و ماهیت ابزاری دولت و میدیا برای سرمایه‌داران مواجه میکند. نمایش سرمایه و سرمایه‌داری را به حال خود گذاشت، اما جلوی تخریب محیط زیست را گرفت. جرج دبلیو بوش صاف و ساده علت مخالفت آمریکا با توافقات کیوتو را مُضَر بودن آن به حال بیزنس آمریکا اعلام میکند. اگر خصلت مخرب سرمایه‌داری برای بشریت و تناقص این نظام با شکوفایی جامعه بشری بخواد مصداقی نظام تولیدی جهانی بشر با گره ارض است. اگر زیست گویاترینش است. مبارزه طبقاتی فقط بر سر متفاوتی داشته باشیم، باید نظام تولیدی را بر مبنای متفاوتی قرار بدهیم. نظامی که در آن طرح و نقشه و آگاهانه اعضای جامعه مشخصات روند تولید و مردم، توسعه اقتصادی و فنی خیره کننده‌ای ببار

ناسیونالیسم کرد،**کومه له و جدال بقا**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

سخنران: آذر مدرسی

hekmatist.com

Girdleston Community Centre
Under 151 Salisbury Walk
Archway
N19 5DX

شنبه ۱۵ ژوئیه

ساعت ۵ بعدازظهر

تلفن تماس: جمیل خوانچه زر ۰۷۴۱۴۶۳۳۸۱۴

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) لندن

سایت آرشیو
مجموعه آثار
منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>

سایت حکمت

حزب حکمتیست (خارجه)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسئول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسئول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دولت اقلیم و ..

امروز در کردستان عراق کشتی بانی، صفت بندی های امروزه که بدنبال جنگ موصل برای سهم خواهی شکل گرفته است، امکان هر نوع همزیستی مسالمت آمیز را از مردم سلب کرده است. عراق و مردم محروم آن در میان این جدالها در استیصال و ناامیدی به هر عشیره و باند قومی و مذهبی، حتی به داعش سرباز میدهند. پایان طی ۱۵ سال گذشته روز به روز با تحریک و کشتار و بمب و جنایت در جامعه

از آینده نامعلوم شان در ماندن با عراق فدراتیو- سناریو سیاهی که تصویر موصل و آزاد سازی آن، ریشه بر اندام هر جانداری می اندازد، باید از این فرصت استفاده کنند و این رفراندم را به پایان حاکمیت احزاب ناسیونالیست و ملی و مذهبی تبدیل کنند.

فرارخوان و رفراندم ۲۵ سپتامبر، پروپاگاندی از جنس پروپاگاندهای سنتی احزاب ناسیونالیست که اساسا برای چانه زنی، معامله و سهم خواهی از دولت های مرکزی و قدرت های بین المللی صورت میگیرد، نیست. پروژه ای است که تاریخ اجرای آن مشخص و به مراجع بین المللی و دولت مرکزی عراق اعلام شده است.

امروز در کردستان عراق خود را از این رفراندم کنار بگذارد، باید مراجع بین المللی و دولت مرکزی عراق و دولت های منطقه، استقلال، منتظر بمانند و به عشیره کردستان عراق گردن بارزانی وقت بدهند تا به حاکمیت فقر و فساد و ثروت اندوزی خود، ادامه دهند! مستقل مردم کردستان عراق قرار است "مسئله کرد" را به رسمیت بشناسند و تمام قوانین بین المللی حق حاکمیت، در مورد کردستان عراق، فوراً به اجرا درآید.

مردم کردستان عراق را کشوردار نخواهد کرد، که کار و زندگی آنها را وسیله رقابت های میلیتاریستی در منطقه و جهان، خواهد کرد. بی اعتبار و حلقه دیگری از گروکشی و معامله گری و بازی با سرنوشت مردم کردستان عراق است و باید دولت اقلیم حق ندارد نتیجه رفراندم را مشروط به هیچ چیز، جز اراده آزادانه مردم

آنچه بعد از موصل

کاشته اند، صفت بندی های امروزه که بدنبال جنگ موصل برای سهم خواهی شکل گرفته است، امکان هر نوع همزیستی مسالمت آمیز را از مردم سلب کرده است. عراق و مردم محروم آن در میان این جدالها در استیصال و ناامیدی به هر عشیره و باند قومی و مذهبی، حتی به داعش سرباز میدهند. پایان طی ۱۵ سال گذشته روز به روز با تحریک و کشتار و بمب و جنایت در جامعه

زنده باد انقلاب کارگری!